

# مدیریت خانوادہ

مجید رشید پور

پروفیسر سکولر تعلیم عالیہ طحاہات فرنگی  
رائل جلیع علمبرائشان

محیط خانوادگی اعتراف کرده‌ایم. زیرا در هر جا که آموزشگاهی افتتاح می‌گردد، قبل از هر چیز مدیر آن تعیین می‌شود. وقتی عده‌ای از کودکان به بازی می‌پردازند، ابتدا از میان خود فردی را به عنوان مدیر انتخاب می‌کنند تا در پرتو او اختلافات خود را حل و فصل نمایند. پس وقتی که یک بازی ساده کودکانه و یا انجام مسابقه‌ای به داور و مدیر احتیاج دارد، آیا می‌توان باور کرد که محیط خانوادگی که مرکز انتقال فرهنگ و انسان سازی است به مدیریت نیازی نداشته باشد؟!

اگر بخواهیم خانواده متعادلی داشته باشیم، اگر بخواهیم زندگی ما از استحکام برخوردار باشد، اگر مایل باشیم که فرزندان برومند و سالمی داشته باشیم، اگر بخواهیم انسانهای شایسته‌ای تحویل جامعه بدهیم، علاوه بر رعایت اصول اساسی پیوند خوب و مستحکم خانوادگی، باید اصل مدیریت را سهل و ساده تلقی نکنیم و از آن بهره بگیریم.

وحدت و یکی بودن زن و شوهر در محیط خانواده ضرورت مدیریت را نفی نمی‌کند، بلکه با همه صمیمیت‌ها و گرمی‌ها باید اصول مدیریت در متن زندگی خانوادگی رعایت شود، زیرا تا مدت کوتاهی می‌توان با علاقه‌ها و محبت‌ها وحدت خانوادگی را حفظ کرد، ولی بدیهی است که پس از کمرنگ شدن عوامل دوستی‌ها و مودت‌ها، خانواده در آستانهٔ تزلزل قرار می‌گیرد. در حالی که با اجرای مدیریت صحیح و منطقی علائق طبیعی و احساسی بتدریج به عواطف منطقی و عقلانی تبدیل می‌گردد و در نتیجه صفا و صمیمیت‌ها استمرار می‌یابد.

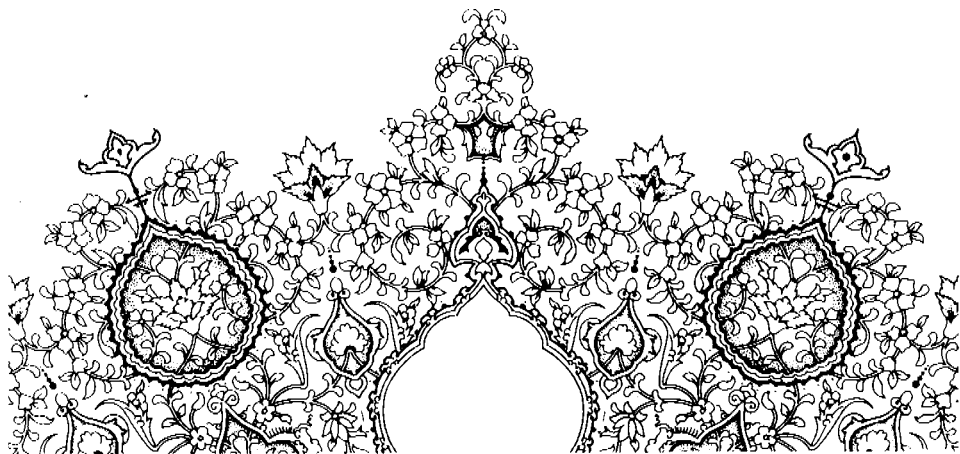
سیاست‌مداران دنیا سالیان متمادی پیروزی

خانواده نهاد مقدسی است که در ساختار جامعه مهم‌ترین رکن به حساب می‌آید. تحکیم خانواده زمینه‌ساز استحکام اجتماع است. خانواده مرکز نشر و انتقال فرهنگ است. خانواده چشمهٔ جوشانی است که فضائل و کمالات انسانی از آنجا به جامعه سراریز می‌شود و بالاخره اینکه انسانهای شایسته و برومند، دانشمندان و متفکرین، همه از خانواده‌های اصیل برخاسته‌اند.

بدیهی است که در کانون خانوادگی مهر و محبت، صفا و صمیمیت، تعاون و همکاری، پایداری و استقامت و بسیاری از خصلت‌های دیگر انسانی دخالت و تأثیر دارد، ولی نقش مدیریت در استحکام خانواده و تربیت فرزندان نقشی زیربنایی است، لذا نمی‌توان آن را نادیده گرفت. دانشمندان علوم اسلامی در گذشته کتابهایی را در ارتباط با تدبیر منزل به رشتهٔ تحریر در آورده و در آن مسائل اساسی از قبیل مدیریت و ادارهٔ خانواده را مطرح کرده‌اند.

در کتابهای لغت کلمهٔ تدبیر را به پایان کاری نگرستن، در آن اندیشیدن و برای انجام دادن هر امری فکر و دقت به کار بردن معنی کرده‌اند.<sup>۱</sup>

با تحقق تطور و تحوّل در اوضاع زندگی خانوادگی بسیاری از ارزشهای والا و اصالت‌های خانوادگی دستخوش تهاجم فرهنگی شده، آرام آرام از بین می‌رود و یا کمرنگ می‌گردد. بنابراین با توجه به این نکته که کانون خانوادگی به محبت و صفا و یکرنگی احتیاج دارد، با اجرای مدیریت صحیح و منطقی می‌توان این عوامل را استمرار و دوام بخشید. اگر کانون خانوادگی را اولین آموزشگاه تلقی کنیم، ناخودآگاه به ضرورت مدیریت در



در خانواده چه سان و چگونه باید اجرا شود و کدامیک از زن و مرد صلاحیت آن را داراست؟ بدیهی است که منظور از مدیریت در خانه انجام مسؤلیت داخلی خانواده نیست، زیرا مسؤل داخلی خانواده، زن خانه است و مرد در انجام امور داخلی خانه نباید دخالت کند. هدف ما از مدیریت، برخورداری از قدرت تصمیم‌گیری در مسائل کلی و اساسی خانواده است.

پس از بررسی‌های دقیق و عمیق این واقعیت آشکار می‌شود که مدیریت در خانواده باید در اختیار مرد قرار بگیرد. ضمن اینکه می‌دانیم برخی از زنان توان و قدرت اداره خانواده را دارا هستند، ولی با توجه به فراوانی عواطف و احساسات در نوع زن، صلاح در این است که مدیریت خانه در اختیار آنان قرار نگیرد.

دلیل دیگر این است که یکی از ویژگی‌های زن نیاز به پناه داشتن است تا در پرتو آن احساس آرامش و سکون کند. چنانکه مرد نیز احساس می‌کند که باید پناهگاه زن و فرزندان خود باشد. به نظر می‌رسد که این احساس در زن و مرد هر دو زیربنای فطری دارد، یعنی نوع تجهیزاتی که

ملت‌ها را به قدرت‌های نظامی و توان تسلیحاتی وابسته می‌دانستند، اما با گذشت زمان نقش حساس مدیریت‌ها جایگزین آن گردید. امروزه بیشترین سرمایه‌گذاری‌ها در بعد مدیریت انجام می‌گیرد، چه با فکر قوی‌تر بهتر می‌توان ذخایر انسانی و غیره را استخراج کرد. در گذشته نه چندان دور با اینکه پیوندهای ازدواج خالی از اشکال نبود و معیارهای آن در موارد زیادی منطقی به نظر نمی‌آمد، اما خانواده‌ها از آرامش و استحکام بیشتری برخوردار بودند، زیرا اصل مدیریت در خانواده‌ها رعایت می‌شد.

زن و مرد در دوره‌ما برای وصول به زندگی خوب و مستحکم، در مقایسه با گذشته‌ها تلاش و کوشش بیشتری را مبذول می‌دارند، ولی چون اصل مدیریت در زندگی آنها ضعیف و یا مخدوش است، تزلزل خانواده‌ها نسبت به قبل بیشتر شده است. بنابراین به این نتیجه می‌رسیم که در تشکیل خانواده و پیوند زن و مرد به اصل اساسی مدیریت باید توجه بیشتری مبذول گردد.

حال این بحث مطرح می‌شود که مدیریت

همسران خود پیروی و اطاعت نمایند.

خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض<sup>۲</sup> - مردان به دلیل ویژگی‌هایی که دارند سلطه و مدیریت خانه در عهده آنان قرار دارد. البته برخی از مردان جاهل و مغرور از این آیه سوءاستفاده می‌کنند و بر زنان خود تحکم و زورگویی روا می‌دارند، در حالتی که کلمه قوام از (قائم و قییم) گرفته شده و معنای آن سرپرستی و قیومیت است، نه تحکم و زورگویی. به عبارت دیگر سرپرستی خانه تکلیف و مسؤلیت است، نه ترجیح و مزیت! مرد مسلمان از این آیه شریفه این طور برداشت می‌کند: حال که خداوند مهربان بر او منت نهاده و او را سرپرست و قییم قرار داده است، او هم باید از این منصب الهی سوءاستفاده نکند و از همسر خود به عنوان یک امانت الهی نگهداری کند و به مسؤلیت خود متعهد و وفادار باشد.

#### منابع:

- ۱- فرهنگ عمید، کلمه تدبیر
- ۲- کتاب وسایل الشیعه، باب نکاح
- ۳- سوره نساء، آیه ۳۴

در زن و مرد وجود دارد متفاوت است و همین تفاوت‌ها در یکی پناهندگی و در دیگری پناه‌دادن را به وجود آورده است، ضمن اینکه هر دو لازم و ملزوم یکدیگرند و بر دیگری امتیاز و برتری ندارند.

نکته سوم اینکه در برخی از روایات اسلامی وقتی از شایستگی‌های زن سخن به میان می‌آید گفته می‌شود که زن شایسته کسی است که از همسر خود اطاعت کند. از این بیان بطور ضمنی معلوم می‌شود که مدیریت خانه در اختیار مرد قرار دارد.

ناگفته نماند که مرد مسلمان باید از استبداد و لجاجت و مردسالاری برکنار باشد و تصمیمات او بر محور عقل و منطق دور بزند و زن نیز موظف است که از آرا و افکار منطقی و عقلایی مرد پیروی کند.

در روایتی رسول خدا به زنان فرمود: یا معشر النساء اطعن ازواجکم<sup>۲</sup> - ای زنان از

